

تحلیل تمایزات معنایی متاثر از «تهی» در فضاهای عمومی کالبدی*

زهرا عطارعباسی^۱ - علیرضا عینی^{۲*} - منوچهر فروتن^۳ - محمد مهدی سروش^۴

۱. دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.
۲. استاد گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.
۴. استادیار گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۲ تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۹/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

چکیده

وجود عناصری با خاصیت بینابینی در معماری، بر هم‌زیستی اجزاء آن موثر بوده است. در راستای شفافیت و کاهش تدریجی ماده، فضاهای مابین با ساختاری نامرئی مورد استفاده قرار گرفته و به نام «تهی» خوانده می‌شوند. پژوهش حاضر بر مبنای مولفه‌های تهی در معماری، تاثیر هر یک از مولفه‌ها بر تعاملات اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. حضور تهی در کاربری‌های مختلف تا چه حد می‌تواند در مولفه‌های اجتماعی فضا تغییر ایجاد کند؟ به عنوان سوال اصلی تحقیق مطرح می‌گردد. به عبارت دیگر آیا تاثیرات تهی بر رفتار کاربران در همه کاربری‌ها یکسان عمل می‌نماید؟ از اهداف اصلی تحقیق شناسایی شاخص‌های اجتماعی «تهی» در فضاهای عمومی و تبیین نقش تسهیل‌کنندگی یا بازدارندگی آن در تعاملات اجتماعی افراد می‌باشد. در این تحقیق روش ترکیبی، پیمایشی با نمونه‌های مطالعه هدفمند، در نظر گرفته شد و پس از استخراج مولفه‌ها، چارچوب مفهومی تدقیق گشت. فرآیند تحقیق در دو مرحله پیمایش اولیه در پنج کاربری مختلف اداری، درمانی، آموزشی، هتل و تجاری و پیمایش اصلی در سه نوع کاربری آموزشی، هتل و تجاری به انجام رسید. اطلاعات مورد نیاز به روش پرسش‌نامه و مصاحبه، جمع‌آوری و با نرم‌افزار مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های تحقیق اثر معنادار مولفه‌های کالبدی و معنایی تهی بر تعاملات اجتماعی افراد را نشان می‌دهد. در پیمایش اولیه یافته‌ها در ساختمان اداری، اثر اجتماع‌گریزی و در درمانی تا حدودی خنثی را ارائه نمود؛ در حالی که پیمایش اصلی تهی در ساختمان‌های تجاری، هتل و دانشگاه را با اثر اجتماع‌پذیری بر رفتار معرفی می‌نماید. نتیجه‌گیری تحقیق اذعان می‌دارد، وید در فضای معماری، نقش جداکننده و پیونددهنده را به طور همزمان ایفا می‌نماید. میزان اثرپذیری روابط و تعاملات اجتماعی در فضای دارای وید به میزان اثرپذیری افراد از محیط، نوع کاربری، فعالیت و هدف کاربران از حضور در مکان‌ها بستگی دارد.

واژگان کلیدی: تهی، وید، تمایزات معنایی، مکان رفتار، تعاملات اجتماعی.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول که با عنوان «تحلیل تمایزات معنایی متاثر از «تهی» در فضاهای عمومی کالبدی» به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسندگان سوم و چهارم، در دانشگاه آزاد واحد همدان در سال ۱۳۹۹ به انجام رسیده است.

** E-mail: aeinifar@ut.ac.ir

۱. مقدمه

معماری به عنوان پدیده‌ای با اجزاء مختلف و در عین حال کلیتی واحد می‌تواند از رویکردهای مختلف مورد مذاقه قرار گیرد. هر یک از اجزاء معماری بسته به نوع عملکرد و این که در چه محیطی قرار دارند قابلیت‌هایی از فضا را آشکار می‌سازند. محیط به عنوان بستر تعاملات اجتماعی در حوزه مطالعات روان‌شناسی محیطی و معماری حائز اهمیت می‌باشد. مامفورد^۱ بر معماری به عنوان محیط انسان‌ساخت در پاسخگویی به اثرات محیطی، اجتماعی و فرهنگی تاکید بسیار نموده است. مبتنی بر همین دیدگاه چگونگی تاثیرگذاری هر یک از عناصر معماری بر فضا و بر رفتار، مورد ملاحظه قرار گرفت. در تحقیق حاضر «تهی»^۲ به عنوان یکی از عناصر معماری و تاثیرگذار بر فضا و متعاقباً بر رفتار، به عنوان مسئله اصلی مطرح می‌باشد. در همین راستا بر فعالیت‌ها و رفتارهای انجام گرفته در محیط به عنوان «رفتار مرتبط با محیط» تاکید شده است؛ که نتایج بررسی‌ها در رفتار، بازخوردهایی در زمینه شناخت بیش‌تر از تهی در فضا را به دست می‌دهد. بر همین مبنا و بر اساس سیالیت و گشایش فضایی حاصل از وید که با وجود بی‌مرزی مرزهایی در فضای کالبدی ایجاد می‌نمایند، فرضیه‌ی «ایجاد» و یا «جلوگیری» از بروز الگوهای رفتاری در محیط شکل گرفت. چیدمان فضایی، ابعاد و سلسله‌مراتب، ترتیب قرارگیری فضاها، نور، حریم، خوانایی و عمق بصری از مولفه‌های کالبدی هستند که رفتار را متناسب با مکان (قرارگاه) رفتاری نموده و به آن شکل می‌دهند (Markus 1987, 467). اهمیت روابط انسان و محیط به دلیل رفتار و رویدادهای تکراری که به طور متناوب در محیط صورت می‌گیرند، می‌باشد (لنگ ۱۳۹۵، ۱۲۸) و این که محیط در نظر گرفته‌شده بر اساس افرادی که در آن زندگی و فعالیت می‌کنند چگونه تحت تاثیر قرار می‌گیرد از مباحثی است که در حوزه روان‌شناسی محیط مطرح شده و بدان پرداخته می‌شود. بر همین اساس لوین به منظور فهم رفتار افراد یا گروه‌ها بر بررسی فرصت‌ها، انتخاب‌ها و محدودیت‌های محیطی آن‌ها تاکید نموده است. بنابراین مطالعات و ادبیات تحقیق در دو بخش صورت‌بندی گردید. ابتدا مطالعه نظریه‌ها و رویکردهای مختلف نسبت به فضا، جایگاه «وید»، به عنوان نوعی فضای مابین و درک مفهوم «تهی» و «خالی» مبتنی بر «پوچی»، «هیچ چیز» و «چیز» و در بخش دوم مطالعات، ادبیات تحقیق روان‌شناسی محیطی، در جهت بررسی شاخص‌های فضای تهی در معماری و مواجهه افراد با آن انجام گرفت. بنابراین به منظور جمع‌آوری اطلاعات و ثبت بازخوردها از سوی مردم در سامانه‌های جمعی-فضایی دارای تهی، از روش تمایزات معنایی بهره گرفته شد. پژوهش، هدف دستیابی به شناخت بیش‌تر در حوزه فضا و تهی به عنوان نوعی فضای مابین را دنبال می‌کند. استفاده از تهی در معماری مدرن و پست‌مدرن،

عدم پرداخت کافی در پژوهش‌های اخیر به کیفیت‌های فضایی حاصل از تهی و توجه ناکافی به تاثیرات این عنصر معماری بر موضوعات اجتماعی و رفتاری، ضرورت‌های انجام پژوهش را ایجاد نمود. در این راستا بررسی تاثیرات عناصر مختلف معماری بر روابط کاربران و کیفیت‌های فضایی در کاربری‌های مختلف، از طریق تحلیل تجربه کاربران می‌تواند به عنوان راهبردی موثر مورد توجه قرار گیرد. دو پرسش اصلی در تحقیق حاضر مطرح می‌باشد:

- نقش تهی در آشکار نمودن کیفیت‌های پنهان فضا چیست؟

- تمایزات در کاربری‌ها چه تغییراتی در مولفه‌های اجتماعی فضای متأثر از تهی، ایجاد می‌نماید؟

از نظر بارکر محیط‌ها، به‌وجود آورندگان مکان‌های رفتار هستند. در واقع این محیط‌ها هستند که با ایجاد مکان‌هایی موجب بروز فعالیت‌ها در مکان رفتارها می‌شوند (Barker 1968, 106). مطالعات اولیه نشان می‌دهد تهی در فضاهای جمعی کالبدی، عامل تاثیرگذار بر رفتار افراد و میزان تعاملات اجتماعی آن‌ها می‌باشد؛ و این تاثیرات مبتنی بر تغییرات در نوع کاربری، متفاوت ظاهر می‌شوند. در پژوهش حاضر نقش تسهیل‌کنندگی و بازدارندگی تعاملات اجتماعی افراد در یک مکان رفتار، به واسطه تهی، مبتنی بر کاربری‌های متفاوت، به عنوان فرضیه تحقیق مورد توجه قرار گرفت.

۲. روش تحقیق

بر اساس فلسفه و مبانی فکری پژوهش چارچوب مفهومی تحقیق تدقیق گردید. بر همین مبنا، متغیرهای مربوط به مولفه‌های تحقیق معرفی و به منظور پروراندن الگوی نظریه و به دنبال بررسی و دریافت نظرات کاربران، فرآیند انجام تحقیق در قسمت جمع‌آوری اطلاعات شامل تهیه پرسش‌نامه، مصاحبه حضوری بدون ساختار و مشاهده دقیق در محل و در بخش مطالعات، به صورت کتابخانه‌ای و واکاوی نظریه‌های متفکران حوزه بوده است. به دلیل شکل‌گیری معانی ذهنی در تعاملات اجتماعی و هنجارهای تاریخی و فرهنگی رایج در زندگی روزمره، فرآیند تعامل میان افراد مورد توجه قرار گرفت (کرسول ۱۳۹۴، ۴۴). بنابراین بخش موردپژوهی تحقیق علاوه بر پرسش‌نامه، مصاحبه، مشاهده و تحلیل عمیق نظام‌های فعالیت انجام شد. با در نظرگیری رویکرد ترکیبی یا کمی-کیفی، این پژوهش، از گردآوری و تجزیه و تحلیل ساده‌ی داده‌ها پا را فراتر می‌نهد و هر دو روش پژوهش همزمان با هم به‌کار گرفته می‌شود. مطالعات انجام‌شده با این روش نسبت به پژوهش‌های کمی و یا کیفی از استحکام بیش‌تری برخوردار است (Creswell and Clark 2007). بر همین اساس به منظور جمع‌آوری اطلاعات و ثبت احساسات مردم در مواجهه با محیط، از تمایزات معنایی بهره گرفته شد. این روش مبتنی بر ساخت‌بندی بوده و

جامع از به هم پیوستگی بشر و طبیعت را به غرب نشان دادند. دیدگاهی ادغام از بودیسم، هندوئیسم و هنر غرب که بسیاری از هنرمندان غربی از جمله گوگن^۸، فرانسیس کاپکا^۹، کاندینسکی^{۱۰}، موندریان^{۱۱}، کلی^{۱۲} و غیره را تحت تاثیر قرار داد (Oyamatsu 2013).

۳-۱- تئوری مابین در معماری

در اولین گام تبیین ویژگی‌های فضای بینابین، موضوع مرز مطرح می‌شود؛ چرا که همین مولفه علت تمایز آن در فضای معماری شده است. به عبارت دیگر، تمایز یک شی یا مفهوم نسبت به دیگری بر تعیین مرزهای آن‌ها دلالت دارد. در معماری، تمایزات مرزهای میان فضاهاست که تفاوت‌های آن‌ها را تعیین می‌نماید. مرزهایی که فراتر از آن‌ها چیزی نه امکان‌پذیر بوده و نه مجاز می‌گردد (Tschumi 1975). بینابین، فضایی است که دائماً در حال حرکت است، مکانی در خودش، محدودیتی ساخته شده در حاشیه، فتح بین دو قلمرو، مبهم، سرگشته، دو رگه و نامعلوم. فضایی که خالی یا فضای باقی‌مانده نیست؛ در یک هندسه با روابط پیچیده، بینابینی به مکانی استوار تبدیل می‌شود، یک مکان با ابهام‌های همزمان. بنابراین بینابین جدا نمی‌کند، بلکه همواره ملحق می‌نماید (The Metapolis dictionary of advanced architecture 2003). در ادامه مطلب هم‌چنین تعاریفی در رابطه با معماری فضای بینابین آورده شده است: «معماری روابط و تماس‌ها، معماری بدون محدودیت، معماری بی‌قید و بند، معماری اتصال‌های حداقل و بی‌علاقه به ترکیب. حالت مماس، مکان مورد علاقه این نوع معماری است. معماری بینابین هر چیزی را که بتواند برای ساختش استفاده کند را به طرف خودش جذب می‌کند (Ibid).

۳-۲- «تهی» در علوم و معماری

به گفته ارسطو تهی نه در مکان، نه فضای خالی و نه زمان خارج از کیهان نمی‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین، «ارسطو» امکان فضای تهی را به طور کلی رد کرد و ادعای مشهور خود را برای عدم امکان آن بر روی زمین پیشنهاد نمود: "طبیعت از خلاء بیزار است." (Denkel 1998, 58). بعدها موضوع تهی به وسیله تئوری «همه مواد از اتم تشکیل شده‌اند» توسط اتمیست‌ها تا حدودی روشن‌تر شد. زیرا مابین و درون اتم‌ها تهی است و بدون تهی حرکت و جنبشی وجود نخواهد داشت. فاصله میان ذرات، پراز نیروهایی است که آن‌ها را در جای خودشان محفوظ می‌دارد. در حالی که نظریه‌ی نسبیت عام، نیروی گرانش و ساختار جهان بزرگ قابل مشاهده را توضیح می‌دهد، مکانیک کوانتوم با پدیده‌ها در مقیاس اتم سروکار دارد (Hawking 2005, 19). امروزه با نظریه‌ی نسبیت عام و مکانیک کوانتوم بیش از یک توضیح واحد برای وید وجود دارد. توصیف سیاه‌چاله‌ها، به نظریه‌ای اشاره دارد

اولین بار توسط کلی تدوین گردید (لاوسون ۲۰۰۱، ۲۴۳). این مسیر که بر صفت‌های مرتبط دو قطبی مبتنی است، دامنه پنج قسمت را شامل می‌شود؛ در راستای نظریه‌های مطروحه، بعضی گونه‌های ساختمان نسبت به بقیه دارای اهمیت کم‌تری خواهند بود. هم‌چنین ویژگی‌هایی وجود دارند که در طراحی‌ها در اولویت توجه مردم قرار ندارند؛ با این حال، طراحان را در امر طراحی به حاشیه و فرعیات می‌کشاند و یا ویژگی‌های مهمی که مورد چشم‌پوشی قرار گرفته‌اند مورد شناسایی و بررسی قرار می‌گیرند (لاوسون ۲۰۰۱، ۲۴۳). بر همین اساس، در تحقیق دو مرحله، پیمایش اولیه و پیمایش اصلی مد نظر قرار گرفت. در ادامه و مبتنی بر پیمایش اولیه در نهایت سه کاربری نهایی به عنوان نمونه‌های اصلی مورد مطالعه در نظر گرفته شد. به منظور انجام پیمایش اولیه و منطبق بر ضرورت‌ها، معیارهای کنترلی و انتخابی که در قسمت «مورد‌های پژوهی» ذکر می‌شود پنج مورد پژوهی مختلف به طور هدفمند انتخاب گردید. جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات به روش پرسش‌نامه و مصاحبه انجام گرفت. سوالات در سه سامانه کالبدی، معنایی و اجتماعی سازماندهی گشت. جامعه آماری همه کاربران بالای ۱۳ سال، زنان و مردان، کاربران حاضر در فضا به صورت دائمی و روزانه را شامل می‌شود. به منظور تحلیل‌های آماری در پیمایش اولیه از نرم‌افزار SPSS و در پیمایش اصلی از نرم‌افزار Smart Pls بهره گرفته شد.

۳. ادبیات تحقیق

با توجه به عنوان تحقیق، مطالعه بر روی تهی و حوزه‌ی فضا با رویکرد روان‌شناسی محیط و رفتار، پیشینه‌های تحقیق را تشکیل می‌دهند. به دلیل تاثیر مفهوم تهی بر هنر و وجود ریشه‌های این مفهوم در آیین ذن، شرق، خاستگاه اصلی تهی شناخته می‌شود. بوداییان ژاپنی از «ما» در زبان ژاپنی برای بیان «تهی بودن» استفاده کرده‌اند. نمونه‌ای از آن اشعار راهب سایگو، شاعر قرن ۱۲ میلادی است که کلمه «ما» را معادل تهی بودن و وید، در اشعارش استفاده کرده است (LaFleur 1974, 227-248). هم‌چنین در تعریف، مفاهیم آیین ذن و جوهره زیبایی‌شناسی فرهنگ ژاپنی، تهی به نوعی فضای میانه، فضای مابین و فضایی خالی، خالص و حیاتی بین همه چیزها و تحت عنوان «ما» تعبیر می‌شود (Oyamatsu 2013). در فرهنگ لغات شرقی، «ما»^۵ به فضای مابین میان دو شکاف، توقف و میانه که شامل فضا و مکان است اطلاق می‌گردد (اعتضادی ۱۳۸۴). حوزه‌ای که چیزها می‌توانند درون آن وجود داشته باشند، به چشم بیابند و معنادار باشند؛ در حالی که خود «ما» غیربصری و نامرئی است. اولین بارقه‌های تاثیر فرهنگ شرق بر هنر غرب را در آثار و نوشته‌های والدو امرسون^۶ و هنری داوید تورو^۷ در اواسط قرن نوزدهم می‌توان یافت. آن‌ها پرسش‌های عمیق، تاکید بر شهود و چشم‌اندازی

معماری را بازگویی می‌کند، از «پر و خالی» تحت عنوان یکی از دسته‌های یکپارچه یاد می‌کند. بنابراین به منظور ایجاد روابط فضایی، تهی را به کار گرفت (Eisenman 2006).

۴. مبانی نظری

قواعد انتزاعی فضا که بر مدرن حاکم است، سبب شد که وید در معماری مدرن پا بگیرد؛ به وسیله تکنیک‌ها و مواد ساخت جدیدی که مفاهیم جدید در عناصر معماری را امکان‌پذیر می‌نمود. در مطالعات انجام‌گرفته در حوزه فضا و مقایسه دیدگاه‌های معاصر، ارجاعاتی از فلاسفه و معماران در زمینه تهی ارائه شده است.

۴-۱- «تهی و فلسفه وجودی»

به عقیده لیبسیکیند فضا، همیشه خالی است و غیر از این، فضا نیست؛ بلکه توده‌ای از مصالح نامیده می‌شد (Lahiji 1987). در مطالعات انجام‌گرفته در حوزه فضا در دیدگاه‌های معاصر دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه شده است. در میان نظریه‌پردازان فضا، به نظر فروید، فضا نه واقعیتی فیزیکی بلکه واقعیتی ذهنی است. وی معتقد است، اگر جسم جای‌گرفته در فضایی مفروض را نابود یا حذف کنیم، فضا، تحت عنوان تهی باقی می‌ماند (Lahiji 1997). ژیزک در توضیح تفکر لاکان^{۱۶} تهی را به عنوان پیش‌زمینه معرفی می‌کند که تشکیل‌دهنده‌ی خود فضا و حالتی از تقدم مطلق است و فضا را در خود نگه می‌دارد. از سوی دیگر قابل مهار شدن است؛ تهی مهارشده و ابعاد آن در محدوده‌ی درون فضا حضور دارد؛ در عین حال، امکانی است که از غیرممکن به وجود آمده و علت فضا و صحنه‌ی اولیه آن است. به بیان ژیزک، در تفکر لاکان، تهی هم در قالب پیش‌زمینه‌ای برای فضا و رویدادهای درون آن ظاهر می‌شود و هم قابلیت مهار شدن در داخل فضا را دارد؛ آن جا که دارای مرز خواهد شد. به بیان ژیزک، لاکان در توضیح مفهوم تهی به دو هنر پارادایمی اشاره می‌کند: نقاشی و معماری. نقاشی، به جای تهی قرار می‌گیرد و معماری تهی را ایجاد می‌کند. از این رو نقاشی و معماری به هم مربوط هستند. هنر نقاشی، عمل قرار دادن چیزی یا رساندن مفهومی است که در جای معناست؛ کاری که بیش‌تر به خیال نزدیک است تا واقع. در حالی که معماری عمل ایجاد یک تفکر است کاری که به امر واقع نزدیک است تا خیال (Saint-Cyr 2012). لاکان تهی را جایگزین معنا می‌داند. جایی که معنا قابل بیان و یا توصیف نباشد. علاوه بر معرفی تهی به عنوان یک مفهوم در معماری، آن را به عنوان یک «چیز» می‌شناسد و نزدیک‌تر بودن معماری به امر واقع، نه تنها تهی را شکل می‌دهد، بلکه آن را شناسایی می‌نماید. معماری بدون دخالت امر خیالی، تهی بودن را به وجود می‌آورد. هر چند معماری می‌تواند به سمت نقاشی تغییر جهت داده و از طریق ساخت خیال

که در آن نور از ذرات تشکیل می‌شود و به همین دلیل تحت تاثیر گرانش قرار می‌گیرد. هر نوری که از سطح ستاره خارج می‌شود، قبل از آن که بتواند بسیار دور شود، توسط گرانش ستاره کشیده می‌شود. این ویدهای سیاه در فضا، سیاه‌چاله‌ها هستند (Ibid). سیاه‌چاله‌ها تنها به شکل خالی در فضا دیده می‌شوند. نظریه‌ی کوانتوم این فضا را به عنوان فضایی که ممکن است انرژی باشد معرفی می‌نماید (Close 2007, 13). مفهوم وید در حوزه عرفان و فلسفه نیز توجه محققان را به خود جلب نموده است. «گونتر نیتشکه» متفکر و معمار آلمانی در مطالعات خود، وید در تفکر ذن را عمدتاً کیفیتی معرفی می‌کند که از عرصه حضور مرئی تا نامرئی گسترش می‌یابد. با زمان تلازم دارد و در عین حال معرف برخی مفاهیم کمی است (اعضادی ۱۳۸۴). هم‌چنین وی در مجله کیوتو^{۱۳} تحت عنوان «مکان، فضا و وید» تاریخچه و نقش وید در فرهنگ و معماری مردم ژاپن را ایضاً می‌نماید. «ویاماتسو» محقق ژاپنی در تحقیق خود مفصلاً به معنای وید در هنر و معماری کلاسیک و مدرن ژاپن و تاثیرات آن بر هنر غرب پرداخته است. «سید حسین نصر» در زمینه جایگاه مفهوم تهی در عرفان و هنر ایرانی و به خصوص معماری ارجاعات فراوانی ارائه نموده است. «لیبسیکیند» وید را مستقل و جایگزینی برای آن چه صاحب ارزش و معنا در معماری است می‌شمارد. چنان چه در طرح‌های خود در موزه یهود برلین و یادبود یازده سپتامبر، آن را جایگزینی غیر مادی و دارای ارزش برای رفتگان معرفی می‌نماید. لائوتسه^{۱۴} فیلسوف چین باستان، به طرز قابل توجهی اهمیت مفهوم تهی را در قلمرو معماری آشکار می‌نماید. هم‌چنین پیتر کنراد نه تنها خلاصه‌ای از حرف‌های لائوتسه را به شکل یک تفکر تحت عنوان «واقعیت یک ظرف، تهی داخل آن است» نقل می‌کند، بلکه فصلی از کتابش که در آن معماری مدرن را به بحث گذاشته، «ظرف‌ها و ویدها»^{۱۵} می‌نامد (Conrad 1998, 289). کنراد ادعا می‌کند رایت آن قدر شیفته لائوتسه بود که ایده خود را در طراحی خانه رویی در حومه شهر شیکاگو پیاده نمود. کولوربوزیه نیز فضای مدرن را «خالی بودن، خلوص و غالب بودن» تعریف می‌کند. اسمیتسون‌ها در دو کتابی که در زمینه تهی منتشر کردند، وید را فضای مابین و یا میانه‌ی خالی غیر بصری معرفی می‌نمایند که در مقیاس‌های مختلف شهری و معماری دارای انرژی است و می‌تواند فضای اطراف خود را سازماندهی نموده و فرم خود را بر اساس نیروهایی که از فضاهای اطراف دریافت می‌کند به دست آورد (Smithson and Smithson 2005, 15). رم کولهاس در کتابخانه ژوسیهو به شکل خارق‌العاده‌ای از نیروهای تهی برای سازماندهی فضاها در امتداد افقی و عمودی استفاده می‌کند. کولهاس معتقد است اگر غیر از این می‌بود، تهی، حذف شده و فضاهای اطراف، تهی(خالی) را پر می‌کردند (Lahiji 1997). هنگامی که پیتر آیزنمن قواعد مدرن در

اساس رویکرد روان‌شناسی محیط در چارچوب نظری تحقیق تدوین گشت.

۴-۲- تهی، فضای مابین، مکان رفتار

تفاوت میان فضاها، وجود فضایی با هویت میانه را آشکار می‌سازد؛ تنوع در ساختار فضا زمانی آشکار شد که بشر به آرامی و از طریق توسعه الگوهای متفاوت رفتاری انواع فعالیت‌های خود را از خارج به فضای داخل منتقل نمود. این تغییر رفتار فضایی و پیشرفت تدریجی و مداوم به صورت تصاعدی در طول تاریخی از طریق تغییر اسلوب‌های زندگی و شیوه‌های تولید ادامه یافت (Ibid). هیلیر و هانسون روابط بین فضاها را مبتنی بر کارکردهای اجتماعی می‌دانند. تمایز بین فضاهای داخلی بنا حاصل تفاوت نحوه ایجاد و کنترل برخوردهای فردی و اجتماعی است (Hillier and Hanson 1984, 36). عاملی که فضاها را از هم جدا می‌سازد، علاوه بر تفکیک آن‌ها به عنوان واسطه ارتباطی میان فضاها رفتار می‌نماید. از سوی دیگر محدوده‌ی مقابل هر سرپناه عاملی جهت تجمع و مکانی برای فعالیت‌های متنوع می‌شود. این رابطه یک حقیقت غیر قابل اجتناب است. زیرا که بدون آن کارکرد یک فضای محصور میسر نخواهد شد. پس جدایی و یا اتصال دو فضا همواره نیازمند فضای سومی است تا بروز نماید. ملاحظات فوق از طریق محتوای روابط عناصر همراه هم، به کمک ویژگی‌های فضای بینابین، نظمی هدفمند میان عرصه‌بندی‌ها را فراهم می‌کنند. کسب این نتیجه از آن رو مهم است که در واقع چگونگی ربط عناصر و کیفیت ارتباطشان شخصیت یک فضا را می‌سازد و در جریان ایجاد پیوند، فرم‌ها، ارتباط بین فضایی سطوح را در درجات مختلف مرتب می‌نماید. این تأثیرگذاری به صورت یک سویه از روابط شکلی به حوزه‌های کارکردی یا معنایی نیست، بلکه، رابطه‌ای دو سویه و یا چند سویه میان فضای بینابین از لحاظ شکلی، معنایی و ارتباطی با فضاهای اطراف برقرار می‌کند. بدین ترتیب «تهی» با ویژگی ارتباطی‌اش، تفاوت‌های موجود در عرصه‌های مختلف را به دلیل تفاوت مفاهیم سازنده‌ی آن‌ها، به نسبت‌های مختلف در مراتب فضایی تبدیل می‌نماید و این امر به واسطه تعیین الگوی ارتباط و نظم حاکم بر روابطی است که در نهایت منجر به سازماندهی فضایی می‌گردد. چنانچه اسمیتسون‌ها خاصیت سازمان‌دهندگی فضا توسط «تهی» را مطرح نموده و معتقدند ویدها فقط فضای پوچ نیستند؛ در این صورت به دلیل خنثی بودن نمی‌بایست تأثیر بر فضاهای اطراف داشته باشند و توسط فضاهای دیگر پر می‌شدند. «تهی» علاوه بر فضای مابین ویژگی‌هایی مانند عدم محصوریت و غیر قابل بصری‌بودن، در پیوند روابط معنایی (ذهنی)، شکلی (عینی) و کارکردی (اجتماعی- رفتاری) نقش مهمی ایفا می‌نماید. «تهی» به عنوان «فضا»ی مابین، اثرگذار بر فضاهای اطراف و البته

تهی را به وجود بیاورد (Ibid). بنابراین در توضیح این مفهوم، دسته‌بندی تهی بر اساس فلسفه وجودی آن انجام می‌گیرد. دسته اول: تهی به معنای خالی، پیش‌زمینه، که همه جا وجود دارد و چیزها در آن اتفاق می‌افتند. جهان لایتناهی در ابتدا تهی بزرگ است که تمام هستی در آن قرار گرفته است. بر همین اساس در مقیاس شهرسازی نیز زمین ساخته نشده، تهیگی است که قرار است اتفاقی در آن رخ دهد. کریستوفر الکساندر معتقد است، این خالی بزرگ «وید عظیم»^{۱۷} نام دارد و سرچشمه هستی و لامکان است (Alexander 2005, 318). الکساندر در کتاب خود آن را تهی «غیرکالبدی» خوانده است. دسته دوم: فضای مابینی که نامرئی است. تهیگی که هویتی از خود ندارد ولی به فضاهای دیگر هویت می‌بخشد، مرز دارد. دارای مولفه‌های مشخصی است که همگی از عدم قطعیت آن شکل گرفته‌اند. در نوع دوم تهی، «کالبدی» است و ذات ماده را تشکیل می‌دهد؛ در معماری حضور دارد و معماران به واسطه این که خلق می‌کنند باید آن را شناخته و ادراک نمایند (Ibid). تفکری که اساس آن از یک‌سو با عرفان شرقی و از سوی دیگر با علم فیزیک کوانتوم آمیخته است. بر اساس نظرات الکساندر مبنی بر مکان‌بودن تهی در معماری، تحقیق حاضر، در مطالعات مکان، دو رویکرد پدیدارشناسانه و روان‌شناسی محیط را پیش رو خواهد داشت؛ که به پدیده مکان می‌پردازند. در نگاه نوربرگ شولتز مکان اساساً همان چیزی است که هست. این به دلیل همان کیفیت‌های ذاتی موجود در محیط فیزیکی است. لذا مداخله انسان‌ها در مکان زمانی بیش از همیشه موفق خواهد بود که شناخت مکان به درستی صورت گرفته باشد (نوربرگ شولتز ۱۳۸۸). مکان‌ها ما را به این که «که» هستیم و از این رو، به این که چگونه رفتار می‌کنیم آگاه می‌سازند. به عبارت دیگر این موضوع که کجا هستیم، بدین معنا است که «که» هستیم (Cheng et al. 2010). موضوع مهم‌تر این که مکان‌ها توسط ساختارهای جمعی موجودیت یافته و اغلب رفتارهای محیطی را می‌سازند. بنابراین مکان صرفاً ظرفی ساده و بی‌اثر برای فعالیت‌های فیزیکی نیست؛ بلکه مکان به واسطه فرآیندهای رفتاری و فرآیندهای جمعی ساخته و پرداخته می‌گردد و واجد معنا می‌باشد. از نقطه‌نظر چنین دیدگاهی شناخت «وید» از طریق شناسایی تأثیراتی صورت می‌گیرد که بر رفتار و ادراک انسان، به صورت انفرادی یا جمعی انجام گرفته است. مبتنی بر همین موضوع شناخت اجزاء مکان در وید، از ملزومات تحقیق به شمار می‌رود. از سوی دیگر بر مبنای اهداف اصلی تحقیق، ادراک کاربران در جهت شناخت محیط، و بهبود کیفیات فضا مطرح می‌باشد. بحث مکان در حوزه پدیدارشناسی، شناخت محیط مبتنی بر ماهیت و ذات خود پدیده است؛ که از ادراکات، نظرات و بازخوردهای افراد به منظور اثبات شناخت پدیده‌ی مورد بحث بهره گرفته می‌شود. بر همین

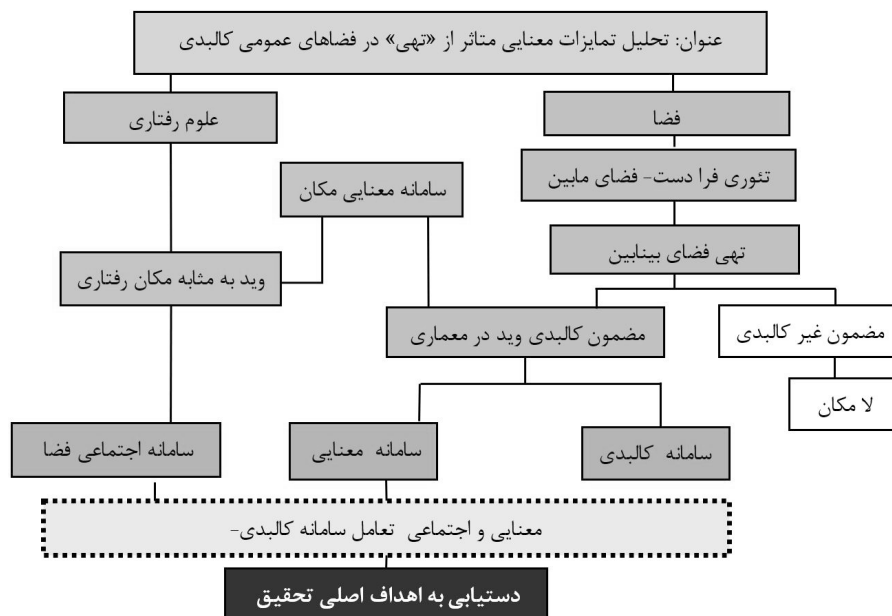
بر اساس همان معنای مشترک رابطه میان گروه‌ها شکل می‌گیرد (Blumer 1969). در کنار آسایش فیزیولوژیکی و آرامش، که دسته‌ای از مؤلفه‌های مؤثر بر فضای کالبدی با رویکرد فیزیکی را تشکیل می‌دهند، نقش فعالیت‌ها و مؤلفه‌های معنایی نیز در خالی نبودن فضاهای جمعی مؤثر هستند. تعامل با دوستان و بستگان، قدم زدن، امکان فعالیت و دیدار رو در رو، امکان نشستن و تماشای فضاهای اطراف و حتی رفت و آمد مردم به عنوان فعالیت‌هایی که در یک فضای جمعی رخ می‌دهند، جاذب افراد قلمداد می‌شوند. هم‌چنین امکان خلق مناظر و فضاهای پیچیده معماری، طراحی عناصر معماری مانند وید با فرم‌های خلاقانه، امکان جذب بازدیدکنندگان به منظور تماشای طراحی معماری خاص و یا تماشای طبیعت در پاسخ‌گویی به حس کشف فضایی، نقش مهمی را ایفا می‌نماید. ایجاد نظم و هماهنگی از طریق سازماندهی فضایی و امنیت فضایی، هم‌چنین تداوم بصری در فضا، که اهداف خوانایی و گشایش فضایی را دنبال می‌کنند، امکان انجام فعالیت‌های مختلف و تعاملات اجتماعی را فراهم می‌نمایند. این موارد از نیازهای روانی انسان در بحث فضاست که در نهایت تداوم حضور افراد در فضا را تثبیت می‌نماید (Wekerle and Whitman 2014).

بر رفتار نیز هست. پس مطالعات تهی در حوزه رفتار فضایی، قرارگاه‌های رفتاری و اکولوژی نیز امکان‌پذیر می‌باشد. مبتنی بر آن چه گفته شد، حوزه مطالعات مکان‌رفتاری در تبیین در هم‌تنیدگی محیط و رفتار، به صورت واحد در نظر گرفته می‌شود (Bechtel, Marans, and Michelson 1987, 192). هم‌چنین یک مکان‌رفتاری عنصری تحلیل‌کننده برای تشریح ویژگی‌های محیط و مطالعات رفتار به کار گرفته می‌شود (Wicker 1979). در راستای مطالعات بارکر، دو عامل دیگر که می‌توانند در تبیین مکان‌های رفتاری مؤثر واقع شوند ارائه گردید. ویژگی‌ها و برنامه‌های فردی، تمایزات فرهنگی از یک‌سو و ویژگی‌های محیطی و جغرافیایی از سوی دیگر به عنوان کنترل‌گر در یک مکان رفتار تأثیرگذار می‌باشند (Ibid). بر همین اساس و مبتنی بر مطالعات صورت‌گرفته در حوزه محیط‌های انسان‌ساخت، موارد مطالعه در پژوهش، با کاربری عمومی دارای وید، با توجه به برقرار بودن الگوهای جاری رفتار، به عنوان واحد مطالعه مورد مذاقه قرار گرفت.

۴-۳- مطالعه متغیرهای جمعی در فضای عمومی

بلومر معتقد است که جهان اجتماعی یعنی دنیایی که برای هر گروه اجتماعی خاص معنای خاص اما مشترک دارد و

شکل ۱: چارچوب نظری تحقیق



تعدیل‌کننده مانند اقلیم، فرهنگ و غیره انتخاب شد. به علاوه، با وجود تنوع فراوان در انتخاب نمونه، تحقیق در یک شهر متمرکز گردید. در راستای تبیین مفهوم وید در معماری، می‌بایست گونه‌های مختلف کاربری مدنظر قرار می‌گرفت. پس در یک تقسیم‌بندی اولیه تنوع کاربری‌ها و عملکرد غالب هر فعالیت مدنظر قرار گرفت. در صورت انجام چند فعالیت در یک مکان، منطبق بر مصوبه شورای عالی

۴-۴- موردهای مطالعاتی

به طور کلی فضای عمومی و قرارگاه‌های رفتاری در جهت تأمین نیازهای اجتماعی انسان و ایجاد بستر تعاملات به وجود آمده‌اند. شهر همدان به دلیل آشنایی کامل پژوهشگر با جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی بافت شهری هم‌چنین یکسان‌سازی زمینه‌های نمونه‌های مطالعه از نظر فرهنگ کاربران استفاده‌کننده و حذف فاکتورهای

هم‌چنین در موردهای مطالعه استقرار وید متمرکز در میانه بنا مدنظر قرار گرفت. مطالعه موردی پژوهش حاضر، روند انتخاب نمونه‌ها را به صورت تئوری محور، مبتنی بر ادبیات موضوع، منطقی، امکان‌پذیر و عملی به حضور اختصاص می‌دهد. هم‌چنین توجه به مقیاس تحقیق در حوزه معماری، در نظرگیری تشابه میان کاربران بناهای مذکور از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی به علاوه معیارهای انتخاب مساحت مساوی میان بناها و مساحت بنا متناسب با جمعیت کاربران مدنظر قرار گرفت. مساحت زیاد نسبت به جمعیت مورد استفاده، درصد اجتماع‌پذیری فضاها را کاهش می‌دهد و برعکس (لنگ ۱۳۹۵، ۱۹۸).

سهولت برقراری ارتباط با کاربران و امکان انجام تحلیل عمیق و مطالعه فضایی، وجود فضای داخلی عمومی دارای وید به عنوان فضای غیرحرکتی و سکون، امکان حضور افراد به دو صورت دائم و یا موقت معیارهای دیگر پنج بنای مورد مطالعه می‌باشند. پس به منظور انجام آمایش، بیمارستان فرشچیان همدان، دانشکده ادبیات دانشگاه بوعلی همدان، استانداری همدان، مرکز تجاری شهرآرا همدان و هتل کتیبه همدان با عدد زیربنای نسبتاً مشابه به عنوان مورد مطالعه، به طور هدفمند در نظر گرفته شدند. نکته‌ای که در این تحقیق در زمینه دسته‌بندی نمونه‌های مطالعه مورد توجه قرار می‌گیرد، تقسیم کاربری‌ها به عنوان کاربری‌های «رسمی» و کاربری‌های «غیر رسمی» است. مدلی که بر اساس مدل مفهومی کانتر طراحی شده است. ویژگی‌های کالبدی را در برگزیده مولفه‌های زیستی، و مشخصه‌های اجتماعی را در برگزیده انواع تعاملات کاربران شامل روابط رسمی و غیر رسمی و غیره مینا قرار داده است (Cheng et al. 2010). بر همین مبنای کاربری‌های درمانی و اداری به عنوان کاربری‌های «رسمی» و کاربری‌های تجاری، هتل به عنوان «غیر رسمی» معرفی می‌شوند. دانشگاه‌ها نیز به دلیل ماهیت خود در بعضی فضاها کاربری رسمی و در بعضی موارد غیر رسمی هستند که محل فضاهای عمومی جمعی در دانشگاه، بخش غیر رسمی دانشگاه در نظر گرفته شد. ویژگی‌های کالبدی و معنایی تهی به عنوان متغیر مستقل، ادراک و دریافت کاربران به عنوان متغیر وابسته مورد ملاحظه قرار گرفت. با وجود تفاوت در نمونه‌ها، کشف اشتراکات میان آن‌ها، بینش عمیقی نسبت به پدیده مورد مطالعه را امکان‌پذیر می‌سازد. بر اساس تعریف «مکان‌رفتار»، ارائه‌شده توسط بارکر، در موردهای پژوهی، فعالیت‌های مستمر در زمینه‌ای روشن، ترکیب کالبدی خاص از محیط، هم‌نویایی میان اجزا فوق و فعالیت‌ها در زمان خاص مشاهده می‌شود. به بیان کیوایزومی در دسته‌بندی ساختمان‌ها بر اساس تجهیزات و درجه اهمیت آن‌ها (لنگ ۱۳۹۵، ۱۹۸) بنای استانداری و مرکز تجاری شهرآرا جزء دسته میانی و بنای هتل کتیبه، بیمارستان فرشچیان و دانشکده ادبیات در دسته ساختمان‌های آنترپروفلیک قرار می‌گیرند. تیپولوژی

شهرسازی و معماری ایران نام کاربری بر اساس عملکرد غالب تعیین گردید. در دیدگاه‌های اولیه حدود یک قرن پیش کاربری، به عنوان یک مفهوم ایستا محصولی قطعی و نهایی تبیین می‌شد. اما نگرش‌های نوین کاربری زمین به معنای یک مفهوم پویا، ارتباط مستمر بین انسان و زمین و چگونگی استفاده انسان از این ارتباط است که در فرآیند برنامه‌ریزی آن سازماندهی مکان، فضا، فعالیت انجام می‌شود. عملکرد کاربری‌های شهری مصوب‌شده از سوی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران: آموزشی، مذهبی، اداری، اقامتی، مسکونی، ورزشی، صنعتی، آزمایشگاهی، درمانی، فرهنگی، تجاری، پارک و انبار می‌باشند. کیوایزومی معتقد است که بعضی ساختمان‌ها بیش‌تر برای کارکرد درست ماشین و تجهیزات طراحی شده‌اند تا افرادی که با این تجهیزات کار می‌کنند. در این ساختمان‌ها به نیازهای دوم بیش‌تر اهمیت داده می‌شود (شکل ۲).


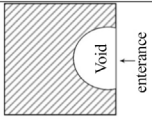

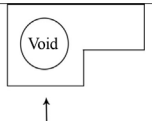

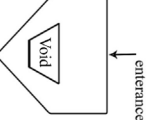

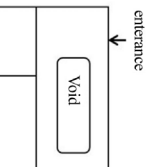

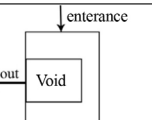
شکل ۲: دسته‌بندی کاربری‌های کیوایزومی

بنادر، کارخانجات، مخازن، نیروگاه برق و برودت، تاسیسات و لوله محیط غیر انسانی، ماشینی آنترپوزمیک	مراکز تجاری، فروشگاه، کتابخانه، آزمایشگاه، اداری	آنترپوفلیک بیمارستان، ندامتگاه، دانشگاه، هتل
--	--	---

(لنگ ۱۳۹۵، ۱۲۳)

ایزومی گونه اول را در ساختمان‌های آنترپوزمیک^{۱۸} یا غیرانسانی و گونه دوم را در آنترپوفلیک^{۱۹} یا انسانی نامیده است (لنگ ۱۳۹۵، ۱۲۳). در راستای مطالعه اولیه و انتخاب نمونه‌های مطالعه به صورت حذفی، کلیه کاربری‌های غیرانسانی مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری در زمینه تعاریف و مفاهیم کاربری‌ها مانند انبارها و مراکز صنعتی از دامنه مطالعه خارج شدند (شورای عالی شهرسازی ۱۳۸۹). هم‌چنین در راستای موضوع تحقیق بناهای بدون سقف مانند پارک‌ها، به‌علاوه بناهای مذهبی و فرهنگی نیز به دلیل تمرکز بر مولفه معنایی تحقیق، جزء بناهای مورد سنجش قرار نگرفت بنابراین کاربری‌های اداری، آموزشی، درمانی، هتل و تجاری، مشروط بر فضای عمومی دارای وید، به عنوان مورد مطالعه در نظر گرفته شد. ساختمان‌های مذکور از گونه آنترپوفلیک و در بخش فضای جمعی دارای الگوهای جاری رفتار می‌باشند.

شکل ۳: نمونه‌های مطالعه و پلان شماتیک در پیمایش اولیه

	 <p>Void entrance</p> <p>اداری - استانداری همدان</p>
	 <p>Void entrance</p> <p>درمانی - بیمارستان فرشچیان همدان</p>
	 <p>Void entrance</p> <p>آموزشی - دانشکده ادبیات دانشگاه بوعلی</p>
	 <p>Void entrance</p> <p>مرکز تجاری شهرآرا همدان</p>
	 <p>Void entrance out</p> <p>هتل - کتیبه همدان</p>

۵. یافته‌های تحقیق

مبتنی بر سوال تحقیق که به دنبال یافتن میزان اثربخشی وید بر تعاملات اجتماعی عنوان شد، پس از تنظیم و توزیع پرسش‌نامه و انجام مصاحبه در محل، تحلیل آماری صورت گرفت. مقایسه میانگین آمار به دست آمده تاثیرپذیری میزان حضور روزانه در فضا به عنوان مکان گذران اوقات فراغت را معرفی نمود. آمار بالایی نظرهای

پلان، موقعیت ورودی و استقرار تهی نسبت به آن، در هر کدام از مکان‌های مورد مطالعه در شکل ۲ نشان داده شده است. سامانه مورد بحث کالبدی، معنایی و اجتماعی، تاثیر مولفه‌های اصلی فضای میانی تهی بر هر کدام از مولفه‌های تعاملات اجتماعی در راستای دستیابی به اهداف اصلی پژوهش مورد توجه قرار گرفت. هدف اصلی تحقیق بررسی میزان تاثیر مولفه‌های کالبدی و معنایی عنصر معماری تهی بر تعاملات اجتماعی افراد در فضای جمعی می‌باشد. بنابراین مولفه‌های «کالبدی»، «رفتاری» و «تعاملات اجتماعی» در فضاهای جمعی و مولفه‌های «کالبدی» و «معنایی» در تهی به تفکیک معرفی گردید. در فرآیند انجام پژوهش با در نظرگیری معیارهای مطرح در نظریه مذکور شامل مقیاس، مکان‌مندی و زیبایی‌شناسی بصری و معنایی (Madanipour 1996, 139-150)، مورد توجه قرار گرفت. جمع‌آوری اولیه اطلاعات و سنجش از طریق تنظیم پرسش‌نامه، حضور در محل و انجام مصاحبه و مشاهده دقیق صورت گرفت. در همین راستا مولفه‌های عنصر معماری «تهی» به ترتیب معرفی گردید:

الف) مولفه‌های وید (کالبدی): شفافیت مصالح، حذف ماده (گیدئون ۱۳۷۸)، صدا، تهویه، دما، انعطاف‌پذیری فرمی، (بی‌فرمی)، سیالیت در کاربری، ارتباط بصری و ارتباط حرکتی (همان)، چشم انداز.

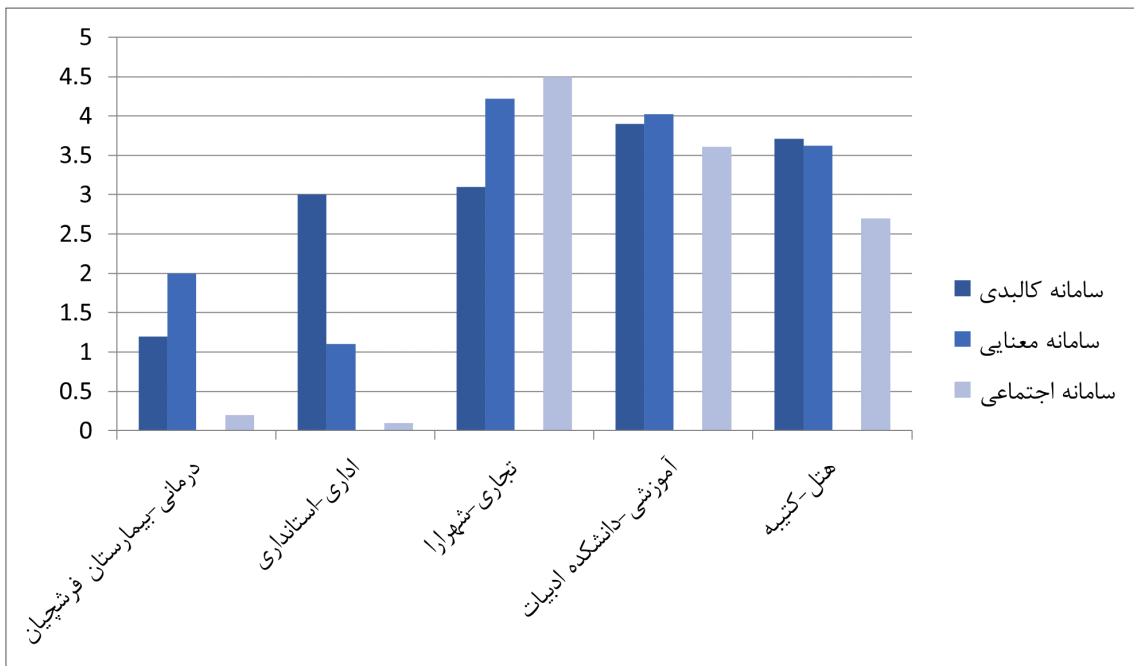
ب) مولفه‌های وید (معنایی): شفافیت فضایی (همان)، خوانایی، گشایش فضایی (نوربرگ-شولتز ۱۹۸۰)، سازماندهی، سیالیت، درک کلیتی واحد (Smithson and Smithson 2001, 25). هم‌چنین مولفه‌های موثر در تعاملات اجتماعی در مکان‌های رفتار بدین ترتیب معرفی می‌گردند:

ج) مولفه‌های اجتماع‌پذیری: ادراک فضا به‌مثابه کلیتی واحد، خوانایی، گشایش فضایی، آرامش فیزیکی، آرامش ذهنی، ارتباط با طبیعت (نوربرگ-شولتز ۱۹۸۰)، احساس امنیت (آلمن ۱۳۸۲، ۱۳۸)، امکان مکث و تماشا، تمایل به برقراری ارتباط با مردم (Markus 1987, 467) اعتقادات مذهبی و باورهای اجتماعی (راپاپورت ۱۳۸۴، ۱۸۶)، اشتیاق در انجام فعالیت مردم (Hillier and Hanson 1984). در پیمایش تاثیر هر یک از مولفه‌های «الف» و «ب» بر هر یک از مولفه‌های «ج» مورد سوال قرار گرفت و پرسش‌شوندگان با توجه به میزان اثرپذیری رفتار آن‌ها از محیط در جهت تعامل‌پذیری، در طیف لیکرت یکی از امتیازات بسیار کم، کم، بی تفاوت، زیاد و بسیار زیاد را انتخاب کردند. به منظور تحلیل، به ازاء هر یک از طیف‌ها از یک الی پنج امتیاز تعلق گرفت.

بعضی کاربری‌ها مانند بنای استاندارد، افراد با وجود نور و جای کافی، همین صفات را به عنوان دلیل عدم تمایل به حضور در فضای عمومی معرفی و عدم دل‌بستگی، نداشتن حریم هم‌چنین عدم وجود انگیزه کافی در برقراری ارتباط در این فضا را از مشخصات آن در تحقیق بوده‌اند، وجود تهی در فضا چندان دارای اهمیت نبوده است. در ادامه پس از مرکز تجاری، هتل بیش‌ترین اثر بخشی وید بر رفتار اجتماعی را داشته است.

«متوسط» یا «بی تفاوت» سامانه اجتماعی فضای عمومی از سامانه کالبدی و معنایی دارای وید را نشان می‌دهد. در بعضی کاربری‌ها تمایل به نسبت به معیار سنجش اجتماعی، در فضای عمومی دارای وید در بیمارستان فرشچیان، بدین معناست که تمایل به انجام فعالیت در فضای عمومی و انگیزه برقراری تعامل اجتماعی، در «اولویت» توجه کاربران قرار نداشته است. عدم وجود مبلمان کافی (کالبدی) مانع عنوان شد. در حالی که، در

شکل ۴: پیمایش اولیه سامانه اجتماعی، کالبدی و معنایی



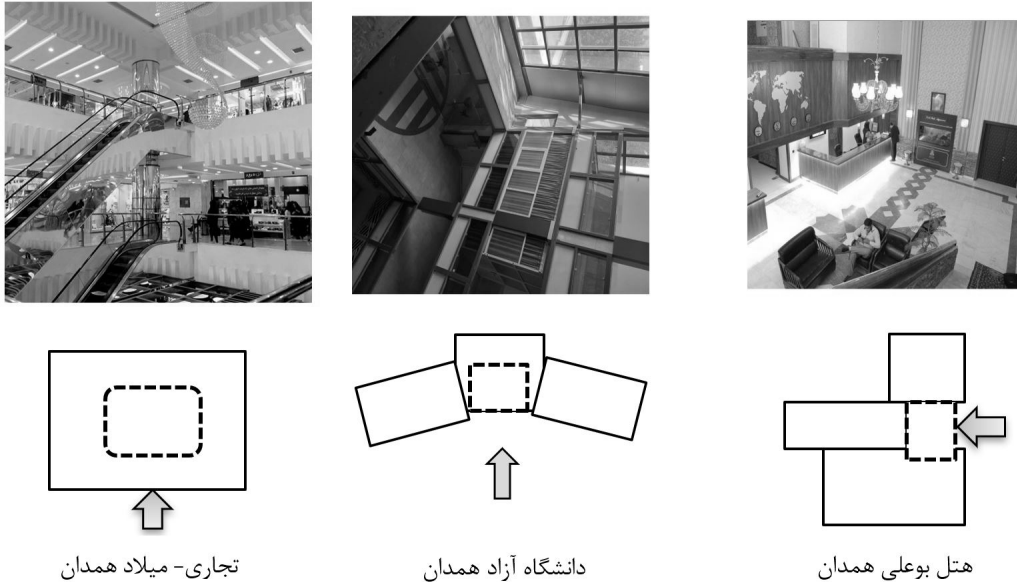
نمودار در نمونه‌ها به نظر می‌رسد، تهی در مکان‌های «غیررسمی» تسهیل‌کننده خوبی در جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی می‌باشد و در مکان‌های «رسمی» با حضور تهی، نه تنها در نقش تسهیل‌کنندگی در آن‌ها کاهش می‌یابد، بلکه در بعضی موارد نقش بازدارندگی تعاملات اجتماعی را ایفا می‌نماید. آن چه در تحقیق حائز اهمیت است، بر اساس ضرورت‌های طراحی، در مکان‌های رسمی مورد مطالعه، وید عامل ارتباط میان فضاهای مختلف حتی فضاهایی که از نظر نوع فعالیت تشابه چندانی به هم ندارند بوده است. برای نمونه در کاربری شهرآرا به دلیل حضور شهربازی در طبقه آخر و پیوستگی فضایی آن با فضاهای تجاری توسط وید مشکل آلودگی صوتی و تا حدودی ناراضی‌تاری کاربران تجاری را به همراه داشت؛ که چنین مشکلی در تجاری میلاد مشاهده نمی‌شد. این موضوع در بیمارستان و اداری نیز در مصاحبه‌ها قابل مشاهده بود. پیوستگی فضایی به واسطه محل استقرار وید در بیمارستان (قسمت پذیرش و بخش اداری در طبقات مختلف) هم‌چنین پیوستگی فضایی وید در استانداری (مابین فضاهای دارای ارباب رجوع و بخش اداری، کارمندان و ریاست در

مبتنی بر مطالعات صورت‌گرفته، مکان‌های رفتار مورد تحلیل، به دو دسته «رسمی» و «غیر رسمی» تقسیم شدند. بدین ترتیب که کاربری‌های تجاری، هتل و دانشگاه به عنوان مکان‌های غیر رسمی و کاربری‌های اداری و بیمارستان به عنوان مکان‌های رسمی مورد توجه قرار گرفت. شکل ۴ نتایج اولیه سه سامانه را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج اولیه مولفه‌های (امنیت)، (حریم) و (اعتقادات و باورهای اجتماعی) به مولفه‌های اثرگذار بر تعاملات اجتماعی اضافه شده و به وسیله نرم‌افزار Smart Pls مورد تحلیل قرار گرفت. مبتنی بر نتایج اولیه تحقیق و به منظور دستیابی بر مولفه‌های اثربخش تعاملات اجتماعی حاصل از وید، در پیمایش اصلی دامنه موردهای مطالعاتی به کاربری‌های «غیررسمی» محدود گردید. در همین راستا دو نمونه کاربری تجاری، دو نمونه کاربری آموزشی و دو نمونه هتل انتخاب شدند. در پیمایش اصلی هتل کتیبه، هتل بوعلی، تجاری شهرآرا، تجاری میلاد، آموزشی دانشکده ادبیات، ساختمان دانشگاه آزاد، به عنوان شش نمونه مورد مطالعه پیمایش اصلی معرفی شدند. پس از مصاحبه و توزیع پرسش‌نامه و تحلیل اطلاعات به وسیله نرم‌افزار،

فضاهای پیوسته، فضایی مطلوب و اجتماع‌پذیر در فضای عمومی از سوی کاربران توصیف شد. به بیان دیگر در مکان‌ها با کاربری «غیر رسمی»، تداخل فعالیت‌ها توسط وید ایجاد نمی‌گردد.

طبقات مختلف) موجب نارضایتی کاربران از سوی ایشان اعلام شد. به طوری که عدم رعایت حریم و مرزها عامل اجتماع‌گریزی در استاندارد و یا مهمه و شلوغی در بیمارستان شده است. در حالی که گشایش فضایی وید در هتل، آموزشی و تجاری به دلیل تشابه در فعالیت‌های

شکل ۵: نمونه‌های مورد مطالعه همراه پلان شماتیک در پیمایش اصلی

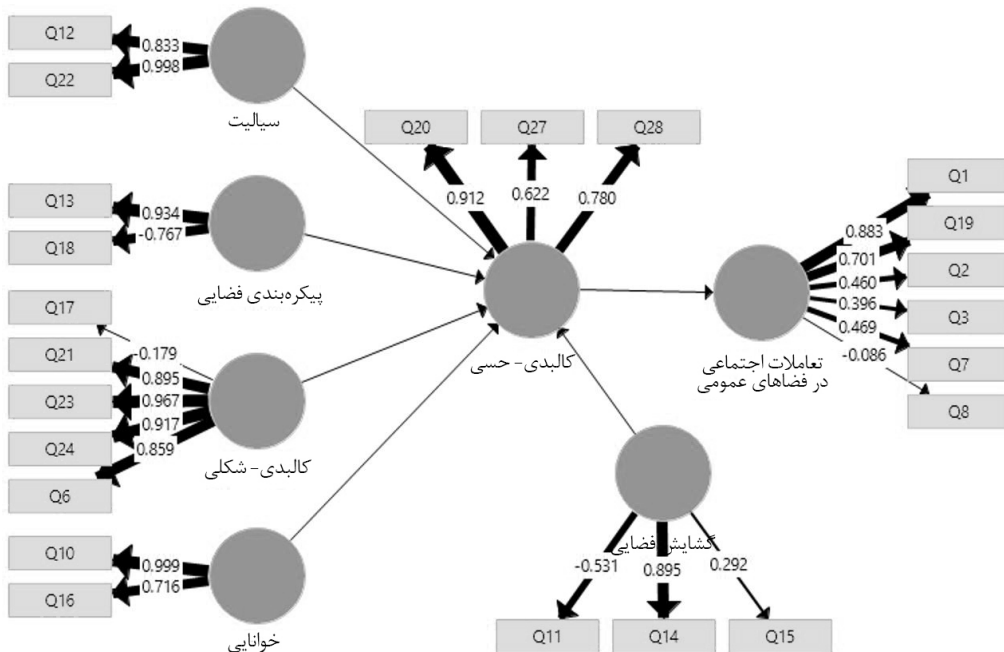


تجاری - میلاد همدان

دانشگاه آزاد همدان

هتل بوعلی همدان

شکل ۶: نمایش بارهای عاملی در نرم‌افزار PLS در مرکز تجاری میلاد همدان



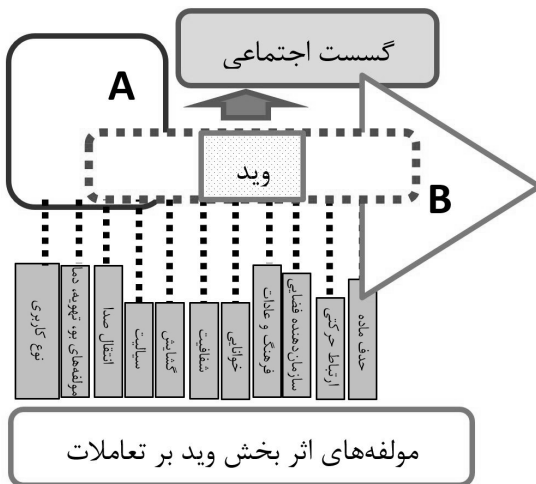
معنادر میان سه سامانه کالبدی، معنایی و اجتماعی در ویدهای مستقر در فضاهای عمومی، موید پایداری و پیوستگی فضایی است. وید در فضای معماری، نقش

۶. نتیجه‌گیری

به دنبال انجام فرآیند پیمایشی در گونه‌های مختلف کاربری، نتایج نهایی تحقیق نشان می‌دهد وجود روابط

اجتماعی را دارا می‌باشند. هم‌چنین در مقایسه اجمالی در سه کاربری مورد پیمایش مشخص شد هر چه میزان پیوستگی فضایی در وید افزایش یابد، به عبارت دیگر هر چه مولفه‌های کالبدی و معنایی وید، گشایش فضایی، خوانایی، شفافیت و سازماندهی منطقی‌تر عمل نمایند، بر میزان تعاملات اجتماعی در فضای عمومی دارای وید افزوده خواهد شد؛ و نوع کاربری به عنوان یکی از عوامل «فزاینده» یا «کاهنده» روابط اجتماعی اثرگذار خواهد بود. بنابراین در تعامل میان دو فضا و یک فضای مابین، در صورتی که فضای سوم (مابین) بر اساس نوع کارکرد فضا به صورت وید پدیدار گردد، بر جدایی و یا پیوستگی در فضای درونی یا ارتباط در فضای عمومی و خصوصی دلالت می‌نماید.

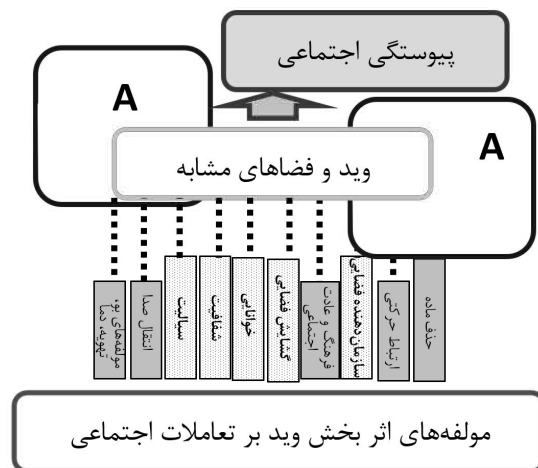
شکل ۸: وید و گست اجتماعی در فضاهای غیر مشابه A, B



مشابه در مجاور هم، با در نظرگیری نوع کاربری بنا، کارآمدی ویدها در طراحی تضمین می‌گردد.

جداکننده و پیوند دهنده را به طور همزمان ایفا می‌نماید. میزان اثرپذیری روابط و تعاملات اجتماعی در فضای دارای وید به میزان اثرپذیری افراد محیط، نوع کاربری، فعالیت و هدف کاربران از حضور در مکان‌ها بستگی دارد. چنانچه بیان شد، زمینه‌های فکری و فرهنگی یا به عبارتی عادات و باورهای اجتماعی یکی از اثر بخش‌ترین مواردی است که نقش مهمی در برداشتهای اجتماعی افراد و متعاقباً رفتار و کنش‌های آن‌ها در فضا، بازی می‌کند. مبتنی بر همین موضوع ویدها با توجه به سیالیت در مولفه‌های خود، بسته به نوع استراتژی مورد نیاز طراح، نقش تسهیل‌کننده و یا بازدارنده در روابط اجتماعی را ایفا می‌نمایند. به طور خلاصه از نتایج تحقیق چنین برمی‌آید که ویدها در فضاها با کاربری غیر رسمی بیش‌ترین بازدهی از نظر اثربخشی مولفه‌های کالبدی و معنایی بر روابط

شکل ۷: وید و پیوستگی اجتماعی در فضاهای مشابه، A



در فرآیند طراحی و سازماندهی فضاها، توجه به محل قرارگیری وید در پلان نسبت به فضاهای اطراف، توجه به چیدمان صحیح فضاها و توجه به استقرار عملکردهای

پی‌نوشت

1. Lewis Mumford
2. Void
3. Kurt Lewin
4. Saiygo
5. Maa
6. Ralph Waldo Emerson
7. Henry David Thoreau
8. Paul Gauguin
9. Frantisek Kupka

10. Wassily Kandinsky

11. Piet Mondrian

12. Paul Klee

13. Kyoto Journal

14. Lao-Tzu

15. Vases & Voids

۱۶. نظریه والایش لاکان: والایش «ایده‌ی تبدیل چیزی پست و ناچیز به چیزی متعالی و تقریباً روحانی». در این جا لاکان در راستای نظریه والایش از تهی سخن می‌راند. تهی آن چه که نیست و به ظاهر «هیچ چیز» است، بیان‌گر همان است که والاترین ارزش‌ها را از آن خود کرده و جای آن، «خالی» یا «تهی» قرار گرفته است.

17. Great Void

18. Anthroposemic

19. Anthripophilic

فهرست منابع

- آلتمن، اروین. ۱۹۷۵. محیط و رفتار اجتماعی. ترجمه علی نمازیان. ۱۳۸۲. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. <https://www.gisoom.com/book/1272475>
- اعتضادی، لادن. ۱۳۸۴. «مفهوم «ما» در فرهنگ ژاپنی (ما، فرآیند شناخت مکان)». خیال ۱۵ (۱): ۱۰۶. <https://www.noormags.ir/view/fa/creator/140674>
- رایپورت، آموس. ۱۹۹۰. معنی محیط ساخته شده. ترجمه فرح حبیب. ۱۳۸۴. تهران: انتشارات پردازش و برنامه علم و صنعت. <https://www.gisoom.com/book/1954241>
- شورای عالی شهرسازی و معماری ایران. ۱۳۸۹. تعاریف و مفاهیم کاربری‌های شهری و تعیین سرانه های آنها. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مرکز مدارک علمی و انتشارات. <http://daramad.bandarabbas.ir>
- کرسول، جان دلبیو. ۲۰۱۴. تحقیق طراحی: رویکرد کمی، کیفی و روش های ترکیبی. ترجمه مجید خورشیدی و فخرالدین سلطانی. ۱۳۹۴. تهران: انتشارات پژوهشکده عمومی علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- گیدیون، زیگفرد. ۲۰۰۲. فضا، زمان و معماری. ترجمه منوچهر مزینی. ۱۳۷۸. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. <https://www.gisoom.com/book/1935914>
- لوسون، برایان. (۲۰۰۱). زبان فضا. ترجمه علیرضا عینی‌فر. ۱۳۹۳. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۲۴۳. <https://www.gisoom.com/book/1988678>
- لنگ، جان. ۱۹۸۷. آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیطی. ترجمه علیرضا عینی‌فر. ۱۳۹۵. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۲۸.
- نوربرگ-شولتز، کریستین. ۱۹۷۹. روح مکان. ترجمه محمد رضا شیرازی. ۱۳۸۸. تهران: انتشارات رخداد نو. <https://www.adinehbook.com/gp/product/6009115501>
- Alexander, Christopher. 2005. *The Nature of Order: An Essay on the Art of Building and the Nature of the Universe. Book 1 - The Phenomenon of Life*. Center for Environmental Structure.
- Barker, Roger G. 1968. *Ecological Psychology. Concept and Methods for Studying the Environment of Human Behavior*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Bechtel, Robert B., Marans, Robert W., and Michelson, William, eds. (1987). *Methods in environmental and behavioral research*. Van Nostrand Reinhold Co.
- Blumer, Herbert. 2012. *Symbolic interactionism: Perspective and methods*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Cheng, Antony S., Linda E. Kruger, and Stiven E. Deniels. 2010. "Place" as an Integrating Concept in Natural Resource Politics: Propositions for a Social Science Research Agenda. *Society & Natural Resources* 16 (2): 87-104. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/08941920309199>
- Close, Frank. 2007. *The Void*. Oxford: Oxford University Press.
- Conrad, Peter. 1998. *Modern times, modern places: life and art in the 20th century*. London: Thames and Hudson.
- Denkel, Aaron. 1998. *Natural Philosophies in Antiquity*. 2nd edition. Istanbul: Ozne Publications.
- Eisenman, Peter. 2008. *Ten canonical buildings 1950-2000*. New York: Rizzoli International publication.
- Freud, Sigmund. 1953. *The Standard Edition of the Complete Psychological Works of Sigmund Freud*. London: Hogarth Press and the Institute of Psycho-analysis.
- Hawking, Stephen. 2005. *A Briefer History of Time*. New York: Bantam Dell.
- LA fleur, William R. 1974. Saiygo and the Buddhist. Value of Nature. *Part II. History of Religions* 13 (3): 227-248. <https://www.proquest.com/docview/1297292627>
- Lahiji, Nadir. 1997. Void and Memory: The Architecture of Libeskind in Berlin. Proceedings of the ACSA International Conference. Berlin. Building as a Political Act. <https://www.acsa-arch.org/chapter/void-and-memory-the-architecture-of-libeskind-in-berlin/>
- Madanipour, Ali. 1996. *Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio-Spatial Process*. UK: Willey.
- Markus, Thomas A. 1987. Building as a classifying devices. *Environment and Planning B: Planning and Design* 14(4): 467-484. <https://journals.sagepub.com/doi/10.1068/b140467>
- Oyamatsu, keiko. 2013. "The presence of absence. thesis in University of Michigan." Ann. department of psychology (Center for Chinese Studies). <https://www.dogtime.org/wp-content/uploads/2014/06/KEIKO-The-thesis-the-presence-of-absence-Keiko-Oyamatsu-for-DGT-publication.pdf>
- Smithson, Allison, and Peter Smithson. 2001. *The Charged Void: Architecture*. The Mona celli Press.
- Tschumi, Bernard. 1975. *Architecture and disjunction*. MIT press.
- Saint-Cyr, Viviana, M. 2012. Creating a Void or Sublimation in Lacan. *Recherches en psychanalyse* 13(1): 15-21. <https://www.cairn.info/revue-recherches-en-psychanalyse-2012-1-page-15.htm>
- Wekerle, Gerda R., and Carolyn Whitzman. 2014. Safe cities: Guidelines for Planning, Design and Management. *Journal of Building Construction and Planning Research* 2(2). <https://www.tandfonline.com/doi/>

[abs/10.2747/0272-3638.18.4.360](https://doi.org/abs/10.2747/0272-3638.18.4.360)

- Wicker, Allen W. 1979. *An Introduction to Ecological Psychology*. London: Cambridge University Press.

<p style="text-align: center;">نحوه ارجاع به این مقاله</p> <p>عطارعباسی، زهره، علیرضا عینی‌فر، منوچهر فروتن، و محمد مهدی سروش. ۱۴۰۱. تحلیل تمایزات معنایی متاثر از «تهی» در فضاهای عمومی کالبدی. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر ۱۵(۳۹): ۸۹-۱۰۲.</p> <p>DOI: 10.22034/AAUD.2020.237770.2247 URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_158083.html</p>	
<p>COPYRIGHTS</p> <p>Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.</p> <p>http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/</p>	